فروغ صحیفه در قلب بانوی آلمانی

<"xml encoding="UTF-8?>

نگاهی به زندگی و مدارج علمی

آن ماری شیمل در 18 فروردین سال 1301 ش . در شهر ارفورت آلمان دیده به جهان گشود . در مدرسه، آموختن زبان فرانسه و لاتین را آغاز کرد و در پانزده سالگی تصمیم گرفت زبان عربی را نزد دوست معلم زبان لاتینی خود فرابگیرد؛ در ضمن آموختن زبان قرآن، با فرهنگ اسلامی و برخی متون مسلمانان آشنا گردید . در شانزده سالگی موفق به اخذ دیپلم شد . در دوران دانشجویی همزمان با فراگیری دروس دانشگاهی در کلاس های «تاریخ هنر اسلامی » که ارنست کوهن تدریس می نمود، شرکت می کرد؛ همچنین تحصیل زبان عربی را پیش والتر بیورکمن پی گرفت . دوران تحصیل این دانشجوی باهوش به سرعت سپری گشت . (1)

استاد وی وقتی مشاهده کرد شیمل مشتاق آشنایی با فرهنگ اسلامی است، به وی توصیه نمود به جای پیگیری علوم طبیعی، مطالعات خویش را بر متون اسلامی متمرکز سازد . سپس تاکید کرد بهترین کار برای رسیدن به چنین مقصدی، شروع به تدوین پایان نامه دکتراست . (2) شیمل در نوزده سالگی در رشته مطالعات اسلامی موفق به اخذ درجه دکترا، از دانشگاه برلین آلمان گردید و پنج سال بعد استادیار دانشگاه ماربورگ گشت و تلاش های دانشگاهی خود را با تدریس در مباحث اسلامی آغاز کرد . چندی بعد به سوئد رفت و نزد شرق شناسان و دین شناسان دانشگاه اوپسالای این سرزمین ماند و امتحان دوره دوم دکترایش را در تاریخ ادیان داد و در این رشته موفقیت برجسته ای به دست آورد . مدتی بعد - سال 1331 ش . - به ترکیه رفت تا در زمینه نسخه های خطی در کتابخانه های استانبول تحقیق کند . سال بعد نیز به این سرزمین سفری نمود و کرسی تاریخ ادیان دانشکده الهیات آنکارا را عهده دار گردید . می توان اذعان داشت که این متفکر آلمانی بیش از هر جا فعالیت خویش را در ترکیه متمرکز نمود و در این زمان روابط عاطفی و صمیمانه ای بین وی و مسلمانان ترکیه پدید آمد . (3)

در سال 1339 ش . به شیمل پیشنهاد گردید به تدریس زبان عربی و اسلام شناسی در دانشگاه بن بپردازد . او هم پذیرفت . چهار سال بعد مسؤولیت کرسی فرهنگ اسلامی دانشگاه هاروارد به وی پیشنهاد شد که پذیرفت و دو سال بعد در این مکان علمی عرفان، خوشنویسی و شعر اسلامی تدریس می نمود . (4)

این بانوی آلمانی موفق گردید مدت 60 سال در دانشگاه های چندین کشور به تدریس اسلام شناسی و فرهنگ مسلمانان بپردازد . تعداد آثارش به حدود صد و ده جلد بالغ می گردد اما مقاله ها، ترجمه ها و مقدمه هایی که وی بر کتاب های دیگران نوشته به قدری زیاد است که تاکنون کسی نتوانسته فهرست کاملی از آنها تهیه کند . (5) شیمل از معدود مشاهیر جهان است که به پاس فعالیت های علمی، 20 مدال و نشان افتخار از مراکز علمی و پژوهشی کشورهای جهان دریافت نموده است . (6) وی در اسفندماه سال 1381 دارفانی را وداع گفت و در آلمان به خاک سپرده شد .

دفاع از اسلام

دیدگاه شیمل با نگرش غالب مستشرقان اختلاف بارزی دارد، زیرا در موضع گیری ها، پژوهش ها و آموزش های وی علاقه به اسلام نمایان است؛ خودش می گوید:

من اسلام را دوست دارم حتی زمانی که کودک بودم درباره فرهنگ اسلامی به تفحص پرداخته ام، در ترکیه و پاکستان و دیگر مناطق اسلامی در بین خانواده های مسلمان زیسته ام و با فرهنگ، آداب و سنت های آنان خوگرفته ام . (7)

وی در دفاع از اسلام و ارزش های این آیین جاودانی و توجه دادن اروپائیان به حقایق قرآنی و روایی و رفع بدفهمی های آنان از اعتقادات دینی، گام های مؤثر و ارزشمندی برداشت و در این راستا آثار برجسته، رسا، روشن و با بیانی لطیف و پرجاذبه در اختیار خوانندگان نهاد . در یکی از نگاشته های خود می گوید:

اسلام دینی است که در غرب بسیار بد فهمیده شده و حتی توسط عده ای ناوارد و احیانا مغرض متهم به نوعی بدویت گردیده است . (8)

در اوضاع آشفته و تبلیغات مسمومی که استکبار جهانی و صهیونیزم بر ضد اسلام راه انداخته است، شیمل با شجاعت و شهامت در تبیین برخی مفاهیم دینی، مباحثی جالب را مطرح ساخت . به عنوان نمونه برای روش نمودن اصل «جهاد» در اسلام، خاطرنشان ساخت:

ترجمه ای که امروزه در مغرب زمین از این واژه به دست داده می شود، غلط و غیر اسلامی است ... ادعای توسعه اسلام با خون و شمشیر، اتهامی واهی و موهوم است و این آیین مبتنی بر سرشت آدمیان بوده و عموما قلوب مردم را به سوی خویش معطوف ساخته و در حقیقت دلها و فطرت ها را تسخیر ساخته است نه سرزمین ها و نواحی جغرافیایی را . (9)

یکی از مترجمان آثار خانم شیمل می نویسد: دوست اندیشمندی زمانی می گفت به اعتقاد وی خانم شیمل «مسلمان » است که به منظور باز بودن دستش در دفاع از ارزش ها و معارف اسلامی، این گرایش و باور را به صراحت عنوان نکرده و نوعی «تقیه » را پیش گرفته است . وی اضافه می کند: نشانه های چنین اعتقادی را در جای جای کتاب «تبیین آیات خداوند» به قلم وی، می توان مشاهده کرد؛ بویژه وقتی مؤلف از امت مرحومه (کسانی که مورد رحمت خداوند و شفاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم واقع می شوند) سخن می گوید، در خاتمه این کلام از تعبیر «ان شاءالله » استفاده می کند که یقینا این گونه آرزوی رحمت و رستگاری برای امت موحد و جامعه اسلامی جز از یک نفر مسلمان صادر نمی شود . (10)

همچنین این بانو به برخی از شخصیت های مسلمان، که با او در ارتباط بوده اند، وصیت نمود بر مزارش سوره فاتحة الکتاب را بخوانند!

آن ماری شیمل در مصاحبه ای رادیویی اعلام کرد: به نظر من نویسنده ای که آگاهانه به پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم توهین می کند (سلمان رشدی) می داند در جهان اسلام مقام آن حضرت تا چه حد قداست دارد، قطعا به مقدسات اسلامی اهانت نموده است . من مردان سالخورده ای را دیدم که وقتی شنیدند در کتاب آیات شیطانی چه چیزهایی نوشته شده است، زار زار گریستند . جریحه دارکردن احساسات بخش عظیمی از مؤمنان روش بسیار بدی است و این خلاف آشکار را من نمی توانم بپذیرم .

در جای دیگر می گوید: تا لحظات آخر زندگی این نظرات را مورد انتقاد قرار می دهم و اهانت کنندگان را محکوم می کنم . گروههای فشار وابسته به سلمان رشدی نمی توانند مرا بترسانند . من به خوبی می دانم مسلمانان

چقدر از این حرف های بیهوده و توهین آمیز نسبت به مقدساتشان رنجیده اند . در میان میلیون ها مسلمان، رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم محور عشق و محبت و ارادت است و این را غرب نمی تواند درک کند .
در هنگام دریافت «جایزه صلح » در اکتبر 1995 م . طی سخنانی گفت: من تصور می کنم در ماههای گذشته به اندازه کافی گفته و تکرار کرده ام که از قبول رفتار بدفرجام سلمان رشدی امتناع ورزیده ام و از طریق مخصوص به خود برای آزادی قلم ایستادگی و مبارزه خواهم کرد .
مخالفان اعطای این جایزه به خانم شیمل - که غالبا اعضای کانون نویسندگان آلمان و برخی ناشران بودند - سعی کردند به دلیل اعتراض خانم شیمل به حرکت وقیحانه سلمان رشدی، مانع از اعطای این جایزه شوند و تا آنجا پیش رفتند که گفتند: دادن این جایزه به وی، لکه ننگی برای آلمان است! با این حال، شورای بنیاد اهدای جایزه صلح پس از چند نشست در فرانکفورت اعلام کرد: دلیلی برای لغو اعطای جایزه صلح 1995م . به پروفسور شیمل وجود ندارد . و بالاخره او جایزه را دریافت کرد و آن را به بنیاد دانشگاه بن بخشید تا از طریق آن، جوانان کشورهای اسلامی بتوانند در آلمان تحصیل کنند! (11)
وقتی کتاب «بدون دخترم هرگز» ، اثر بتی محمودی، با تیراژ وسیع چاپ و منتشر شد، شیمل با شهامت و استواری، به دور از هرگونه جانبداری، با گفتن دوبار توبه! توبه! محتویات این کتاب را نفی و به شدت محکوم کرد و گفت: این کتاب حاوی مطالب کاملا دروغ و سراپا بی اساس است و به سبب تبلیغات مسموم و سودجویی نگارش یافته است . برایم قابل تامل است که چرا چنین کتابی در اروپا و آمریکا انتشار یافته است و این موضوع مرا دچار تحیر و شگفتی کرده است . متاسفانه در سال های اخیر تبلیغات بی رحمانه غرب علیه اسلام اوج گرفته است و من وظیفه خود می دانم از «فرهنگ اسلامی » حمایت کنم و از حقایق آن گونه که هست، دفاع نمایم .
خانم شیمل در واکنش به تلاش مغرضانه و گسترده غرب برای ترسیم سیمای وحشتناک و خطرناک از اسلام، ضمن ابراز تاسف عمیق از این بابت می گوید:
آنان (غربی ها) فراموش کرده اند که ما اروپائی ها در دوره رنسانس تاچه اندازه از فرهنگ اسلامی درس آموخته و الهام گرفته ایم . ریاضیات، نجوم، شیمی، فلسفه و هنرهای زیبای غرب تحت تاثیر فرهنگ اسلامی است و باید نقش تاثیر گذار، مفید و پربار این فرهنگ بخصوص فرهنگ ایرانی در تحول و توسعه غرب به اروپایی ها و آمریکایی ها نشان داده شود . جای بسی تاسف است که در سال های اخیر و بعد از فروپاشی کمونیسم، غرب در پی یافتن دشمن دیگری برای خود است . متاسفانه غرب، اسلام را که سرشار از ارزش های عظیم انسانی است، به عنوان دشمن خویش برگزیده است .
خانم شیمل درباره بحران امروز غرب و نیاز به معنویت می گوید: مبارزه شدید جهان مادی و جهان معنوی، دنیای غرب را فراگرفته است . اروپا که بر بالاترین درجات علمی و فنی رسیده، امروز بیش از هر زمان دیگری دچار انحطاط گشته است و البته به خطرهایی که تهدیدش می کند، آگاهی دارد و در پی راه چاره است . خروج از بحران در نظر من این است که به «ارزش های معنوی » بازگردیم و گرنه فرجام بدی خواهیم داشت . درست است که انسان به پیشرفت فنی و علمی نیاز دارد اما نباید این روند به بهای زوال ارزش های مقدس تمام شود . چیزی که برای من همواره جالب است، ایمان واقعا زنده ملل شرق است . خدا در آنجا حی و حاضر می باشد . مردم ایمان دارند اگرچه به زبان نیاورند . آنان به خدا اعتقاد و توکل دارند و این باورهای انسان های مسلمان مدام مرا تحت تاثیر قرار داده است . با نهایت تاسف این اعتقاد در غرب به مثابه تسلیم در برابر سرنوشت محتوم، فهمیده می شود که اصلا چنین نیست . اخیرا بر حسب تصادف در برنامه موعظه صبحگاهی رادیو شنیدم که یک کشیش

می گفت: «انسان مسیحی می تواند خود راه را انتخاب کند ولی انسان مسلمان باید ناگزیر همه چیز را بپذیرد و هیچ ابتکاری و اراده ای از خود ندارد!» از شدت ناراحتی می خواستم رادیو را بشکنم ولی چون این برنامه در لندن بود، حتی نتوانستم یک نامه ملامت آمیز برای مجری این برنامه بنویسم! (12)
آن ماری شیمل در برابر این ادعا که: «اسلام نظام استبدادی و خشونت ارائه می دهد .» ، می گوید: این مغالطه ها برای چیست؟ قبل از آنکه غرب دموکراسی و آزادی انسان ها را بشناسد و یا چنین مقوله ای به گوشش بخورد، مسلمانان دموکراسی را شناخته و آن را تجربه کرده اند و این یک امر بدیهی در اسلام است . قرآن مردم را به «شورا» دعوت می کند . آیات قرآن بر اساس بحث و گفتگو استوار است و باب دعوت به تفکر و تعقل کاملا باز است . (13)

«دعا» ؛ مناجاتی صمیمی با خداوند

خانم آن ماری شیمل در یکی از آثار خود، پس از مطرح کردن بحث هایی درباره اهمیت نماز در اسلام و تاثیر آن بر رشد افراد، می نویسد: در پایان نماز، پس از سلام و صلوات بر پیامبران، فرشتگان و انسان های مؤمن، آدمی می تواند دعاهای مورد نظر خویش را بر زبان آورد . درخواست هایی شخصی یا مناجات که صحبتی صمیمی و از روی انس و الفت با خداست . البته این دعاها را همواره می توان بر زبان آورد اما پس از نماز اثر بیشتری دارد چرا که انسان هنوز در وضعیت پاکی بدنی و روحی است .
این بانوی محقق اضافه می کند:
یکی از دعاهایی که همیشه اجابت می شود، دعایی است که انسان در حق دیگران می کند و نه تنها اعضای خانواده و دوستان را شامل می گردد، بلکه تمامی مخلوقات را در بر می گیرد .
سپس مناجات های امام سجاد علیه السلام را به عنوان دعاهایی با عبارات بسیار عالی اما روان و با نثری مسجع مطرح می کند و خاطر نشان می نماید ترجمه ای بسیار جالب به زبان انگلیسی از این دعاها در دسترس می باشد . (14)
وی در مصاحبه ای می گوید:
«من همواره دعاها را از اصل عربی می خوانم و به هیچ ترجمه ای مراجعه نمی کنم . البته بخش هایی از صحیفه سجادیه را به زبان آلمانی ترجمه کرده ام . وقتی مشغول برگردانیدن این دعاها به زبان مذکور بودم، مادرم به دلیل کسالت در بیمارستانی بستری بود و من مدام به او سر می زدم و کاملا در جریان احوالش بودم . پس از اینکه او به خواب می رفت، در گوشه ای از اتاق مشغول پاکنویس نمودن ترجمه ها می شدم . اضافه کنم که اتاق مادرم دو تختی بود و در تخت دیگر خانمی که عقاید کاتولیکی محکم و راسخ و در عین حال متعصبانه داشت، بستری بود . او از روی ایمانی که به مذهب خویش داشت، وقتی متوجه شد من مشغول ترجمه دعاهایی از یک متن شیعی هستم، آزرده خاطر گردید و با ناگواری و نگرانی گفت: مگر در مسیحیت و در کتب مقدس خودمان از نظر ادعیه کمبودی داریم که تو اکنون به دعاهای مسلمانان روی آورده ای؟! جوابی به وی ندادم اما وقتی کتابم چاپ شد، نسخه ای از آن را برایش فرستادم . مدتی بعد با من از طریق تلفن تماس گرفت و خاطر نشان ساخت: «بسیار صمیمانه از این هدیه جالب متشکرم، زیرا هر روز به جای دعاهای انجیل آن را می خوانم!»
آری واقعا ترجمه «ادعیه معصومین علیهم السلام » مخصوصا صحیفه سجادیه می تواند تا این حد در میان غربی ها تحول آفرین و کارساز باشد . (15)

پی نوشت ها :

1 . شرقی تر از هر غربی، ماهنامه ادبستان، ش 31، ص 24 .

2 . مقدمه دکتر عبدالرحیم گواهی بر کتاب «ابعاد عرفانی اسلام .»

3 . مجله فرهنگ و پژوهش، ش 96، ص 33 .

4 . ادبستان، ش 31، ص 25 .

5 . ر . ک: مجله کلک، ش 28، تیرماه 1371، مقاله دکتر خسرو ناقد .

6 . پیام زن، ش 132، ص 54 .

7 . افسانه خوان عرفان، حسین خندق آبادی، ص 28 .

8 . ر . ک: مقدمه کتاب تبیین آیات خداوند، آن ماری شیمل، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی .

9 . تندیس پژوهش در فرهنگ اسلامی، پیام زن، ش 132، ص 49 .

10 . تبیین آیات خداوند، سخن مترجم، ص 5 .

11 . همان؛ افسانه خوان عرفان، ص 29 و 30 .

12 . اقتباس از کتاب افسانه خوان عرفان، ص 30 - 33 .

13 . همان، ص 35؛ ماهنامه از دیگران، سال دوم، ش 10، دی 1380، گفت و شنودی با آن ماری شیمل، ص 10 .

14 . تبیین آیات خداوند، ص 342 و 343 .

15 . آن ماری شیمل بانوی شرق شناس جهان غرب، ماهنامه از دیگران، سال دوم، ش 5، مرداد 1380، ص 10 و 11 .